

گفت و گو با بهاره و بیتا عافیتی پور، دختران کاراته کار محله محمد آباد

خواهران مبارز

سحر نیکوعفیده نگاه هار و به جلو، قدم ها محکم، مشت ها کره کرده و واژه های نامفهوم ژاپنی که پر قدرت ادای می شوند. بهاره و بیتا عافیتی پور، خواهران رزمی کار بولوار شهید رستمی در محله محمد آباد، همان اول کار با هماهنگی یکدیگر چند حرکت نمایشی کاراته را در گوشه ای از خانه اجرا می کنند تا چشمه ای از هنر شان را نشان بدهند. بهاره سیزده ساله است و بیتا هشت ساله. بهاره به تازگی کمر بند مشکی اش را گرفته است؛ کمر بندی که معمولاً افراد کمی در کمتر از پانزده سال موفق به دریافتش می شوند. بیتا هم به تبع او وارد این ورزش شده است و دلش می خواهد غیر از چند مدال رنگارنگ استانی که دارد، مثل خواهرش در سطح بین المللی هم مقام آور باشد. در این میان زهرایور شریفی، مادر خانواده، قسمتی از خانه را برای تمرین بچه ها خالی کرده است تا راحت باشند. آن ها هم تافرصت پیدای می کنند، لباس کاراته خود را به تن می کنند و مشغول تمرین و مبارزه می شوند. البته مادر خانواده چند روز در میان بچه ها را به سالن رزمی فرهنگ سرای غدیر می برد تا زیر نظر استاد عزتمند تمرین کنند.

● شخصیت شما بیرون و داخل باشگاه چطور است؟

بهاره: آرام و خنده رو هستم اما زمان تمرین جدی می شوم. رزمی کارهای کوچک تر از من حساب می برند. در یک اردوی تفریحی بود که بچه های باشگاه قدری با من صمیمی شدند، می گفتند اصلاً فکر نمی کردیم تو لبخند هم بزنی!

بیتا: من فکر می کنم همه جا خوشحال و خنده رو هستم و برایم فرقی ندارد کجا باشم. در باشگاه با همه زد و دوست شدم و سر به سر همه می گذارم. گاهی وقت ها هم بازیگوشی می کنم و حرص بهاره را در می آورم.

● هیجان انگیز ترین تجربه تان از این رشته چیست؟

بهاره: یکی از شاخه های این ورزش، شکستن سنگ و چوب است. باید مدتی روی استپ ورزشی مشت بزنی تا غضروف دست عادت کند. سال پیش در همایشی که در فرهنگ سرای غدیر برگزار شد، اولین سنگ را شکستم. کلی استرس داشتم، اما خیلی راحت شکسته شد.

بیتا: من هم برای شکستن سنگ خیلی هیجان داشتم. مربی گفته بود که باید کتفم را کامل بچرخانم و دستم را با پرش روی سنگ فرود بیاورم. چند بار تمرین کردم و بعد در سالن توانستم سه سنگ را بشکنم. هیچ دردی هم نداشتم و راحت بود.

● تا به حال فنون رزمی را جایی غیر از باشگاه اجرا کرده اید؟

بهاره: یکی از کلاس های قلدردرسه، زنگ های تفریح سال تحصیلی گذشته به کلاسمان می آمد و بچه ها را اذیت می کرد. با پا چند فن زدم که ادب شد اما از خودم هم تعهد گرفتند که دیگر از این فنون در مدرسه استفاده نکنم.

بیتا: من با همه دوستم و پیش نیامده است که بخواهم کسی را بزنم، فقط چند باری وسط دعوا بهاره را زده ام. گاهی موقع تمرین زیادی به من سخت می گیرد و با هم دعوا می کنیم.

● چه چیزی باعث می شود این ورزش را ادامه بدهید؟

بهاره: به نظر من هر دختری باید فنون رزمی را بلد باشد تا بتواند از خودش دفاع کند.

بیتا: من کلی دوست جدید در باشگاه پیدا کرده ام. هر هفته به بهانه تمرین یکدیگر را می بینیم و صحبت می کنیم.

● بیست سال بعد خودتان را کجای می بینید؟

بهاره: مقام های بین المللی بیشتری کسب کرده ام و مربی شده ام. دوست دارم در آینده بچه های با استعداد این منطقه را آموزش بدهم.

بیتا: دوست دارم دکتر شوم و در کنارش ورزش را هم ادامه بدهم و حتی دیگر رشته های رزمی را هم امتحان کنم.

بهاره تا اینجای کار، چهار مدال استانی، یک مقام کشوری و یک مقام بین المللی کسب کرده است. بیتا هم چهار مدال استانی دارد. هر دو بیشتر سبک های ورزش کاراته را امتحان کرده اند اما بهاره اهل مبارزه است و سبک کومیته را بیشتر دوست دارد. بیتا نیز چون استرین مبارزه تن به تن را تاب نمی آورد، به حرکات نمایشی کاراته و کاتارو آورده است.

شروع ورزش رزمی برای بهاره با ثبت نام در کلاس تابستانه شروع می شود. زهر خانم تصمیم می گیرد اوقات فراغت دختر نه ساله اش با شرکت در کلاس کاراته پر شود. آن زمان ساکن بولوار توس بودند و بهاره یک روز در میان به سالنی در نزدیک خانه می رود و تمرین می کند. البته در آن سن و سال نگاهش به ورزش جدی نیست، اما رفته رفته اوضاع تغییر می کند و پس از مدتی، بهاره همه امور زندگی اش را بر اساس این ورزش می چیند و تمرین کاراته می شود اولویت زندگی اش. هدفش می شود کسب مدال بهترین مسابقات کاراته. بهاره شروع خوبی دارد و از ۹۸ در اولین مسابقه زندگی اش در دره سنی خرد سالان مسابقات قهرمانی استان، گرامیداشت روز وحدت حوزه و دانشگاه، مقام سوم استانی را در سبک کاتا به دست می آورد. کمی بعد، بیتا هم که کوچک تر است، تحت تأثیر شور و اشتیاق خواهر بزرگش قرار می گیرد و با او همراه می شود. البته همراهی اش در ابتدا فقط به آمدن سر جلسات تمرینی، تماشای مبارزات خواهرش و دعا برای پیروزی اش محدود می شود اما پس از مدتی خودش هم لباس می پوشد و وارد گود می شود. شیوع کرونا



مشارکت در فعالیت ها

معصومه حیدری، مدیر مدرسه «مرضیه رستمی»، در بولوار شهید رستمی است. بیتا یکی از دانش آموزان اوست که در بیشتر فعالیت های گروهی مشارکت دارد. او می گوید: بیتا امسال در المپیاد ورزشی درون مدرسه ای خیلی کمک کرد تا مراسم را به بهترین شکل برگزار کنیم؛ هم در رشته کاراته برای بچه ها حرکات نمایشی اجرا کرد و هم در پشت صحنه حضور داشت.

مبارزه هدفمند

فاطمه عزتمند مربی بیتا و بهاره است. به نظر او بهاره هدفمند ترین می کند. او می گوید: بهاره همیشه از قهرمانی حرف می زند و به کمتر از مدال طلا راضی نیست. تمریناتش به باشگاه محدود نمی شود و برای رسیدن به قهرمانی در خانه هم تمرین ها را ادامه می دهد. بیتا هم بهاره را الگوی خودش قرار داده است و روز به روز در کاراته بیشتر پیشرفت می کند.

همراه همیشگی بچه ها

زهرایور شریفی در همه مسابقات، بچه ها را همراهی می کند. او از هیچ تلاشی برای موفقیت دخترانش دریغ نمی کند. به عقیده او نقطه قوت بهاره، مشت های قوی اش و نقطه قوت بیتا هم اعتماد به نفس خوبش است. می گوید: بهاره می تواند با یک مشت، حریف را از پا در بیاورد و بیتا هم تحت هر شرایطی روحیه اش را حفظ می کند و به بازی ادامه می دهد.

